

طراحی الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم سعیده طاهری طیبی^۱، سید احمد هاشمی^۲، عباس قلتاش^۳، علی اصغر ماشین چی^۴

چکیده

هدف کلی این پژوهش، طراحی الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم بود. روش پژوهش، از نوع تحقیقات کیفی و از نظر هدف، اکتشافی است. راهبرد مورد استفاده، نظریه داده بنیاد است و برای ارائه مدل نهایی، از ساختار مدل پارادیمی اشتراوس و کوربین استفاده شده است. در این راستا با استفاده از رویکرد هدفمند و به کارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از اساتید گروه علوم تربیتی و اقتصاد دانشگاه‌های آزاد اسلامی و سرگروه‌های آموزشی دروس مطالعات اجتماعی استان فارس با حداقل مدرک فوق لیسانس انجام شد. برای به دست آوردن روایی داده‌ها از راهبردهای بازبینی مشارکت کنندگان و بررسی همکار و برای تعیین پایایی، از روش‌های توافق بین دو کدگذار و بازآزمون استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها در طی سه مرحله، کدگذاری باز، محوری و انتخابی به مفاهیم مجزا تفکیک و مفاهیم در ۵۶ مقوله اصلی براساس مدل تایلر در قالب چهار عنصر اهداف (۱۴مقوله)، محتوا (۱۴مقوله)، راهبردهای یاددهی یادگیری (۱۴مقوله) و ارزشیابی (۱۴مقوله) طبقه بندی شدند که در نتیجه ارتباط بین مقولات اصلی و سه بعد (دانش، نگرش و مهارت) مشخص شد و با ترکیب این عناصر و ابعاد، مدل مفهومی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده شکل گرفت. الگوی تهیه شده می‌تواند در تربیت مدیریت اقتصاد دانش آموزان نقش به‌سزایی داشته باشد.

کلید واژه‌ها: الگو، عناصر برنامه درسی، مدیریت اقتصاد خانواده، دوره متوسطه دوم.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

^۱ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران Taheriss@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

Hmd_hashemi@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران Gholtash578@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران mashinchi@gmail.com

مقدمه

دانش اقتصادی یعنی توانایی تصمیم‌گیری با توجه به منابع محدود. این تصمیمات در آنچه فرد تولید یا مصرف، پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری می‌کند، اثر می‌گذارد. اگر فردی دانش اقتصادی نداشته باشد، سریع‌تر طعمه کلاهبرداری و سوءاستفاده‌های اعتباری می‌شود و در خصوص تصمیم‌های مهمی چون خرید خانه، پس‌انداز پول، خرید خودرو و ... به درستی عمل نخواهد کرد. دانش اقتصادی به‌عنوان یکی از مهارت‌های مورد نیاز در زندگی پذیرفته شده است، و در همین راستا نهادهای آموزشی و فرهنگی کشورهای پیشرفته در کنار آموزش مهارت‌های اولیه و ضروری مانند خواندن، نوشتن، ریاضیات، ادبیات، تاریخ و ... به برنامه‌های آموزش اقتصاد و تعلیم و تربیت اقتصادی و به‌ویژه مدیریت اقتصاد خانواده نیز توجه کرده‌اند. داشتن اطلاعات پایه در مورد اقتصاد به فرد کمک می‌کند که آن‌چه باعث بهتر یا بدتر شدن وضعیت اقتصادی خود، خانواده و سازمانش می‌شود را تشخیص دهد و برای آن برنامه‌ریزی کند. به‌عنوان یک مثال ساده، همه باید بدانند که پس‌اندازشان را در چه زمینه‌ای صرف کنند (کلپر^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). از این نظر آگاهی اقتصادی، در ارتقاء بهره‌وری فردی و سازمانی مؤثر می‌باشد (کشتی‌آرای و همکاران، ۱۳۹۷). در میان تمام مسائل یک جامعه، اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مطرح است، زیرا استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد (فضلعلی‌زاده صوفی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه با توجه به شرایط و پیچیدگی‌های اقتصادی حاکم بر جوامع مختلف، دارا بودن سطح مناسبی از آگاهی و شناخت اقتصادی برای افراد به ویژه قشر جوان جامعه ضروری به نظر می‌رسد. دلایل زیادی برای این که مردم اقتصاد را مطالعه و بررسی کنند وجود دارد. اما مهم‌ترین دلیل آن این است که آراء و نظریات اقتصادی از هر جهت در زندگی افراد برای حل حادترین مسائل یعنی مشکلات اقتصادی تاثیر دارد؛ خواه که این مردم آن را آگاهانه درک کرده باشند یا خیر. به‌طور واضح می‌توان گفت مشکلی وجود ندارد که مجزا از اقتصاد به نظر آید (قجر و بنداری، ۱۳۹۲). نظام آموزش و پرورش هر کشوری برای تربیت هر نسلی در مواجهه با آینده‌ای موفق باید زمینه‌ها و

^۱. Klapper

حیطه‌های متنوع آموزشی و تربیتی را به درستی انتخاب کند. یکی از زمینه‌هایی که در آموزش و پرورش هر کشور و دنیای معاصر بسیار حائز اهمیت است: "تربیت اقتصادی" یک نسل است (جنکینز و هاسکل^۱، ۲۰۰۹). توجه به اهمیت تربیت اقتصادی و رفتارسازی مطلوب در حوزه اقتصاد مقوله‌ای است که در طول سالیان گذشته همواره مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی و آموزشی کشورهای مختلف البته منطبق بر دیدگاه آن‌ها از الگوی مطلوب و مادی زندگی فردی و اجتماعی قرار داشته و برای اجرایی نمودن آن سیاست‌گذاری هدف‌مندی را در عرصه نظام آموزشی و فرهنگی تدارک دیده‌اند (برینیا و ویکاس^۲، ۲۰۱۴). تربیت اقتصادی به این دلیل اهمیت بسیار زیادی دارد که در عرصه مسائل اقتصادی، راه انتخاب بهتر را به انسان آموزش می‌دهد. جوامع انسانی به کمک تربیت اقتصادی می‌توانند برای استفاده از منابع محدود خود روش مناسب‌تری بیابند و آن‌را برای دستیابی به نتیجه مطلوب به کار گیرند (علیپور و همکاران، ۱۳۹۵). یانگ-کیم^۳ (۲۰۰۰) بر این باور است که به دلیل فواید کاربردی و نقش اقتصاد در زندگی اجتماعی، مقوله اقتصاد باید سرلوحه برنامه‌های درسی مدارس قرارگیرد. اگر بخواهیم در جامعه، اقتصاد سالم و متعادل داشته باشیم، نیاز است تا آموزش و پرورش به تربیت نیروی انسانی کافی و متخصص پردازد. یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای تربیت اقتصادی مربوط به کتاب‌های درسی در سنین نوجوانی و مدارس متوسطه است. در دنیای امروزی داشتن سواد اقتصادی برای دانش‌آموزان حیاتی است، زیرا بحران‌های اقتصادی در دوره‌های زمانی مختلف ایجاد می‌شوند و نسل‌های مختلف نیاز به یادگیری نحوه مواجهه با این بحران‌ها و خطرات را دارند (لنی و همکاران^۴، ۲۰۱۷). خوشبختانه آموزش و پرورش ما نیز به این مقوله مهم در ساحت اقتصادی سند تحول بنیادین توجه کرده است. با این حال، حوزه تربیت اقتصادی در دوره متوسطه هم اکنون از مهم‌ترین محورهای مغفول در کتاب‌های درسی به‌شمار می‌رود (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰). رویکرد مدیریت اقتصاد خانواده در سال‌های اخیر با دانش کامل از تمرکز دشمن بر مسائل اقتصادی و توسعه مردم ایران ارائه گردیده است (زین‌العابدینی و دهقان‌پور، ۱۳۹۳). مدیریت اقتصاد خانواده درصدد است با

^۱ . Jenkins & Haskel

^۲ . Brinia & Vikas

^۳ . Young Kim

^۴ . Leny et al

محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار کند (خلیلی، ۱۳۹۱). در تحقق چنین اقتصادی، فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و پرورش و همکاری همه‌ی قوای کشور لازم و ضروری است، زیرا عملی کردن اقتصاد مقاومتی امری فقط اقتصادی نیست (دری نوگورانی و اصفهانی، ۱۳۹۲). در این راستا اپلتالووا^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان تبیین آموزش عالی و سواد مالی دانش‌آموزان متوسطه در آموزش و پرورش چک انجام داده است. در این مطالعه به وضعیت فعلی جامعه و نیاز به آموزش مالی در مدارس چک اشاره شده است. و بیان‌گر آن است که آموزش عالی در حال حاضر و معرفی آن در برنامه درسی متوسطه اجباری است.

گرومان، کاونبرگ و منکوف^۲ (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان ریشه‌های سواد مالی در کودکی، به بیان این موضوع می‌پردازند که سواد مالی، تصمیمات مالی آگاهانه را پیش‌بینی می‌کند. آن‌ها از مفهوم جامعه‌پذیری مالی استفاده می‌کنند و هدف را، نمایش دادن سه عامل اصلی جامعه‌پذیری مالی می‌دانند که شامل خانواده، مدرسه و کار است. قندهاری و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکاتلند، چین و استرالیا و ارائه دلالت‌هایی برای تربیت اقتصادی در ایران انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اشتراک کشورهای منتخب در اهداف تربیت اقتصادی در دو حیطة دانش و مهارت است و تفاوت سه کشور، در تأکید کشور استرالیا بر توانایی به‌کارگیری دانش، مهارت و ارزش‌ها به صورت توأمان می‌باشد. در زمینه شیوه سازماندهی، تلفیق درون موضوعات درسی مختلف به‌ویژه درس مطالعات اجتماعی به منزله موضوع درسی مشترک میان کشورها مطرح است و نهایتاً در زمینه فرصت‌های یادگیری بر استفاده از روش‌های فعالیت-محور، کاوشگری، پرسشگری و مناظره همراه با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تأکید شده و تفاوت در ارج نهادن کشور چین به سواد اقتصادی در حکم یک فعالیت فوق‌برنامه است. راجرز^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "آموزش اقتصاد از طریق ادبیات کودکان در دوره‌ی ابتدایی" در آمریکا نشان می‌دهد که بخش بزرگ مطالب و تصاویر کتاب‌های قرائت، مطالب و مفاهیم اقتصادی را به شیوه‌ی جالب در

^۱ - Opletalová

^۲ . Grohmann, Kouwenberg & Menkhoff

^۳ . Rodgers

خود جای داده‌اند. کِرش^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با نام "تحلیل اثربخشی آموزش سواد مالی برای کودکان مدرسه ابتدایی" از مجموعه‌ای از متغیرهایی که دانش مالی، سواد مالی، نگرش‌های مالی و توانایی شناختی کلی را می‌سنجند، استفاده کرده است. او شواهدی برای کارایی آموزش سواد مالی در مسیر بهبود دانش مالی به دست آورده است. به این معنا که آموزش سواد مالی برای کودکان مدرسه ابتدایی دانش مالی را بهبود می‌بخشد، اما به نظر می‌رسد تغییری در نگرش‌های مالی ایجاد نمی‌کند. فضلعلی‌زاده صوفی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع انجام دادند. براساس یافته‌های حاصل، مضامین فرعی تربیت اقتصادی (فرهنگ و نگرش، بهره‌وری، شایسته‌سالاری و ...) و مفاهیم کلی (افزایش سطح تولید با تلاش مردم، افزایش درآمد، مدیریت هزینه، اراده و نگرش افراد جامعه، رشد اقتصادی و بالا رفتن بهره‌وری جامعه) از فراوانی بالایی از نظر متخصصین برنامه‌ریزی، اقتصاد و معلمان برخوردارند. به‌طور کلی دسته توسعه اجتماعی از اولویت خاصی از دیدگاه متخصصین برخوردار بودند. میرعرب‌رضی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان تحلیل مولفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان انجام دادند. نتایج نشان داد وضع موجود مولفه‌های سواد اقتصادی (حفظ و توسعه ثروت، اقتصاد و معیشت، کسب و کار، بطالت و بیکاری، توجه به کارآفرینی، اسراف و تبذیر، کسب روزی حلال و تحول شغل و حرفه) در اهداف برنامه و اجرا نسبتاً مطلوب بوده و هم‌چنین نتایج تی مستقل در این مورد نشان داد بین دانش‌آموزان و معلمان تفاوت معنادار نیست. بنابراین با توجه به نقش روش و اهداف کتاب‌های درسی در سواد اقتصادی دانش‌آموزان ضروری است، معلمان و مولفان کتاب‌های درسی، به مولفه‌های سواد اقتصادی خصوصاً مولفه توجه به کسب و کار، کسب حلال، حفظ و توسعه ثروت، کارآفرینی توجه لازم را داشته باشند. یوسفی و رحیمی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان مدیریت اقتصاد خانواده انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که مدیریت اقتصاد خانواده دو جنبه اساسی دارد: اول؛ مدیریت درآمد از طریق کسب روزی حلال و دوم؛ مدیریت هزینه‌ها از طریق دستیابی به الگوی مصرف صحیح است. یوسف‌زاده و آداک (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی بر مبنای تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام

^۱ . Kirsch

انجام دادند. نتایج به‌طور کلی بیانگر آن بود که در مجموع در محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم و ششم) توجه اندکی به مولفه‌های تربیت اقتصادی اسلامی صورت گرفته است. بیش‌ترین میزان توجه به مولفه‌ها مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی و کم‌ترین میزان آن مربوط به کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم است. هم‌چنین براساس دیدگاه معلمان در کتب درسی هر سه پایه کمتر از حد متوسط به تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام توجه شده است. برنامه‌های آموزش سواد مالی و اقتصادی برای کودکان و نوجوانان، عنوان پژوهشی است که توسط آماگیر و همکاران (۲۰۱۸)، انجام شده است در این پژوهش به این نتیجه رسیدند مدارس که با روش‌های یادگیری مناسب، به آموزش مالی و اقتصادی کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند، بر دانش و نگرش مالی و اقتصادی آنان تأثیر گذاشته و آن‌را بهبود بخشیده است.

برنامه درسی مدارس بایستی به دانش‌آموزان در یادگیری مفاهیم اقتصادی و مهارت‌های تصمیم‌گیری کمک کند. منتظر گذاشتن دانش‌آموزان برای آموزش اقتصاد در دوره دانشگاه عاقلانه نیست. زیرا بیشتر دانش‌آموزان تحصیلات رسمی خود را در پایان متوسطه کنار گذاشته و وارد بازار کار می‌شوند. حتی آن دسته از دانش‌آموزانی که وارد دانشگاه می‌شوند، ممکن است واحد درسی اقتصاد را انتخاب نکنند (کاظم‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). عنایت به تربیت اقتصادی در معنای وسیع آن نیز باید به‌طور جدی پی‌گیری گردد. البته به‌نحوی که با فلسفه تعلیم و تربیت عمومی هم‌خوان باشد (طغیانی، ۱۳۹۴). محققان و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت در داخل کشور پژوهش‌هایی انجام داده‌اند؛ اما هنوز مؤلفه‌ها و استانداردهایی در زمینه تربیت اقتصادی که متناسب با نظام جمهوری اسلامی باشد، به‌طور یک‌پارچه مدوّن نشده است (موسوی-زاده و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به آنچه بیان شد لازم است که مدیریت اقتصاد خانواده برای دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان، به‌خوبی فرهنگ‌سازی شود تا از سنین کودکی و نوجوانی متناسب با مقتضیات خویش، عملکرد مناسبی در تحقق مدیریت اقتصاد خانواده داشته باشند (شریعتمداری، ۱۳۹۴). در کشور ما متأسفانه تاکنون به مسئله مدیریت اقتصاد خانواده و آموزش آن به دانش‌آموزان توجه جدی نشده است. و هنوز کم نیستند کسانی که آموزش اقتصاد را منحصر رشته‌ای دانشگاهی می‌دانند. دانش‌آموزان نه در زندگی فردی خود و نه در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند، آن‌گونه که باید و شاید حضور ندارند، در تفسیر و تغییر

جریانات، تحولات و وقایع اقتصادی کشور، توانایی کافی از خود بروز نمی دهند. هم چنین وجود پرونده های فراوان مربوط به دعاوی اقتصادی دادگاه ها در ایران، تجربیات سرمایه گذاری همراه با شکست در مؤسسه های اقتصادی و اعتباری غیررسمی، نقش پررنگ مشکلات اقتصادی در مسائل اجتماعی مانند طلاق و مثال های زیادی از این دست نشان از ضعف سطح مدیریت اقتصاد خانواده ایرانیان دارد. بررسی چرایی این آمار نگران کننده از دغدغه های اصلی مسئولان به شمار می رود. این بررسی نیازمند ریشه یابی دقیق و موشکافانه موضوع است. به نظر می رسد این مسئله در آموزش نادرست این قبیل موارد در کودکی و نوجوانی افراد ریشه دارد. براین اساس تحقیق حاضر در صدد طراحی الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در مقطه متوسطه دوم می باشد و تلاش می نماید که براساس مدل تایلر الگویی را طراحی نموده و پیشنهادهای علمی و سازنده ارائه نماید.

سوالات تحقیق

- ۱) الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم چگونه است؟
- ۲) اهداف برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم چه می باشند؟
- ۳) محتوا در برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم به چه صورت می باشد؟
- ۴) راهبردهای یاددهی-یادگیری در برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم چگونه می باشند؟
- ۵) ارزشیابی در برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم به چه صورت می باشد؟

روش تحقیق

روش این پژوهش، از نوع تحقیقات کیفی است. پژوهش حاضر از نظر جهت گیری، توسعه ای و از نظر هدف، اکتشافی است. راهبرد مورد استفاده، نظریه داده بنیاد است و برای ارائه مدل نهایی، از ساختار مدل پارادیمی استراوس^۱ و کوربین^۲ استفاده شده است. رویکرد نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به نظریه های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند. این نظریه ها و گزاره ها به صورت نظام مند و براساس داده های واقعی تدوین می شود (استراوس

^۱. Strauss

^۲. Corbin

وکوربین، ۱۳۹۱). در واقع رویکرد نظریه داده‌بنیاد روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آن‌ها پژوهش جامع و عمده‌ای انجام نشده است و دانش کنونی در آن زمینه محدود است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲). انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از رویکرد هدفمند و با روش نمونه‌گیری از موارد ویژه یا گروه‌های حیاتی و استفاده از معیار اشباع نظری در یک نمونه‌گیری چندسطحی انجام شد. "مشارکت‌کنندگان" پژوهش، ۱۰ نفر از کارشناسان و سرگروه‌های آموزشی دروس مطالعات اجتماعی استان فارس با حداقل مدرک فوق‌لیسانس و ۱۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی و اقتصاد دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس بودند. در واقع، انتخاب مشارکت‌کنندگان براساس میزان تجارب آن‌ها در زمینه برنامه درسی و مطالعات خانواده بود.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش شاغل در سازمان

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه کار
۱	مرد	فوق لیسانس مطالعات خانواده	۱۶ سال
۲	مرد	فوق لیسانس جامعه‌شناسی	۱۴ سال
۳	مرد	فوق لیسانس جامعه‌شناسی	۱۷ سال
۴	مرد	فوق لیسانس مطالعات اجتماعی	۱۲ سال
۵	مرد	فوق لیسانس علوم اجتماعی	۱۵ سال
۶	مرد	فوق لیسانس اقتصاد	۱۳ سال
۷	مرد	فوق لیسانس جامعه‌شناسی	۱۶ سال
۸	مرد	فوق لیسانس اقتصاد	۱۰ سال
۹	زن	فوق لیسانس اقتصاد	۱۲ سال
۱۰	زن	فوق لیسانس علوم اجتماعی	۲۴ سال

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش شاغل در دانشگاه

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه کار در دانشگاه (سال)	رشته تحصیلی
۱۱	مرد	دکتر	۷	گروه علوم تربیتی
۱۲	مرد	دکتر	۱۳	گروه علوم تربیتی
۱۳	مرد	دکتر	۱۱	گروه علوم تربیتی
۱۴	مرد	دکتر	۲۴	گروه علوم تربیتی
۱۵	مرد	دکتر	۱۶	گروه علوم تربیتی
۱۶	زن	دکتر	۲۳	گروه علوم تربیتی
۱۷	زن	دکتر	۶	گروه علوم تربیتی
۱۸	مرد	دکتر	۱۲	گروه اقتصاد
۱۹	مرد	دکتر	۱۳	گروه اقتصاد
۲۰	مرد	دکتر	۲۶	گروه اقتصاد

لذا نمونه آماری در این بخش ۲۰ نفر می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و فیش‌برداری جهت شناسایی مولفه‌های برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده استفاده شد. برای اجرای این پژوهش، پس از اخذ مجوزهای لازم، با مصاحبه شونده‌های مورد نظر هماهنگی لازم صورت گرفت و یک نسخه از پروتکل و سوالات مصاحبه از قبل جهت آمادگی پاسخ به سوالات، در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد، سپس پژوهشگر در وقت تعیین شده، در محل کار مصاحبه‌شوندگان حضور یافت و مصاحبه‌هایی به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام داد. در طی این مصاحبه‌ها، از شرکت‌کنندگان "پرسش‌های باز" در ارتباط با پدیده مورد بررسی پرسیده شد و نظرات این افراد که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، دریافت، ضبط و ثبت گردید. لازم به ذکر است که مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و غنای داده‌های پژوهش ادامه داشت. شایان ذکر است که پژوهشگر بعد از مصاحبه با نفر ۱۷ با اشباع داده‌ها مواجه شد، ولی جهت اطمینان از کفایت داده‌ها، فرآیند مصاحبه تا نفر ۲۰ ادامه یافت.

در فرآیند گردآوری اطلاعات و سپس تحلیل آن‌ها از کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ استفاده شد. ابتدا از بطن داده‌های خام اولیه نکات کلیدی استخراج شد که در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم مذکور پس از حذف موارد تکراری و تعدیل موارد مشابه، در قالب ۶۷ مقوله کلی شکل گرفتند که در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم در ۵۶ مقوله اصلی براساس چهار عنصر اهداف (۱۴مقوله)، محتوا (۱۴مقوله)، راهبرهای یاددهی یادگیری (۱۴مقوله) و ارزشیابی (۱۴مقوله) طبقه‌بندی شدند نهایتاً طی فرآیند کدگذاری انتخابی، ارتباط بین مقولات اصلی و سه بعد (دانش، نگرش و مهارت) شکل گرفت. براساس معیارهای ارائه شده توسط کرسول و کلارک (۲۰۰۷) برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، از راهبردهای همسوسازی داده و خودبازبینی پژوهشگر، بازبینی توسط اعضاء و بررسی همکار استفاده شد و همچنین از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی داده‌ها استفاده و پس از دریافت نظرهای اصلاحی و مشاوره با استادان راهنما و مشاور ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

1. Open Coding

2. Axial Coding

3. Selective Coding

یافته‌ها

در پاسخ به سوال‌های پژوهش، داده‌های کیفی گردآوری شده از فرآیند اجرای مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با افراد نمونه پژوهش براساس الگوی هدف‌گرای تایلر، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شد.

در مرحله کدگذاری باز، نکات کلیدی استخراج شده از داده‌های خام براساس مشابهت‌ها و اشتراکات مفهومی و پس از حذف موارد تکراری و تعدیل موارد مشابه، در قالب ۶۷ مفاهیم کلی و ۵۶ مقوله اصلی شکل گرفتند. یافته‌های به‌دست آمده از فرآیند اجرای کدگذاری در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج کدگذاری باز و محوری داده‌های پژوهش

کدهای محوری (مقوله‌ها)	کدهای باز (مفاهیم)
تصمیمات اقتصادی صحیح	برنامه درسی می‌بایست با تربیت صحیح اقتصادی به فراگیران کمک کند تا بتوانند تصمیمات اقتصادی مناسبی بگیرند و در آینده نیازهای فردی و خانواده خود را حل و فصل نمایند. (مصاحبه ۱ و ۳)
مشارکت در اقتصاد خانواده	توجه به اقتصاد و معیشت رکن اساسی آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان می‌باشد آنان باید بیاموزند تا چگونه می‌توانند در امور اقتصادی خانه مشارکت نمایند. (مصاحبه ۷ و ۴)
توانایی مدیریت مالی	برنامه درسی باید مدیریت مالی را به دانش‌آموز یاد دهد (مصاحبه ۹ و ۱۲) مدیریت صحیح مسایل اقتصادی خانواده منوط به مدیریت مالی مناسب می‌باشد. (مصاحبه ۱۳ و ۱۸)
توانایی کسب و کار	از پیش‌نیازهای اساسی آموزش مسایل اقتصادی آموزش مهارت‌های شغلی به منظور ایجاد کسب و کار می‌باشد. (مصاحبه ۲ و ۸)
دانش اقتصادی	آگاهی از مفاهیم اقتصادی مانند پس‌انداز، خرج و صرفه‌جویی ضرورت دارد. (مصاحبه ۱۱ و ۱۷)
کارآفرینی	آموزش نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه جزو لاینفک آموزش و پرورش باید باشد (مصاحبه ۹ و ۱۳) ایجاد بسترها و ساختار لازم جهت کارآفرینی (مصاحبه ۱۵ و ۱۹)
روحیه آینده‌نگری	دانش‌آموز در امور اقتصادی باید منافع خانواده را تشخیص دهد و در تصمیمات آینده‌نگری داشته باشد و فقط امروز و اکنون را نبیند. (مصاحبه ۷ و ۱۰)
روحیه همدلی در امور اقتصادی	باید به دانش‌آموزان آموخت که در امور مختلف اقتصادی با اعضای خانواده تعامل و همدلی داشته باشند. (مصاحبه ۱۱ و ۵)
روحیه مسئولیت‌پذیری در امور اقتصادی	دانش‌آموز باید در قبال سایر اعضای خانواده احساس مسئولیت کند. (مصاحبه ۶ و ۱۵) او باید بیاموزد که باید نسبت به مسایل اقتصادی خانه حساس باشد. (مصاحبه ۱۹ و ۱۲)
نظم و انضباط اقتصادی	نظم و امانت‌داری مهم است. دانش‌آموز باید نظم را رعایت کند و امانت‌داری کند و از اموال خانه مراقبت کند. (مصاحبه ۱۳)
موقعیت‌شناسی در امور اقتصادی	برنامه درسی یا فراگیر را قادر سازد تا موقعیت حساس اقتصادی را شناسایی کند. (مصاحبه ۲۰ و ۳)
واجد قدرت نقد و تحلیل مسایل اقتصادی	برنامه درسی باید مسایل اقتصادی را برای فراگیر شفاف و کامل مورد بحث قرار دهد و او را نسبت به مسایل جاری اقتصاد خانواده آگاه نماید. (مصاحبه ۱ و ۱۶)
خلاقیت و نوآوری	کسی که قرار است مسئولیت خانواده را بر عهده گیرد حتما باید ابتکار، خلاقیت و نوآوری داشته باشد. (مصاحبه ۴) فراگیر باید در خلاقیت و کارآفرینی که امروزه اصل است، تجارب و دیدگاه مؤثر داشته باشد. (مصاحبه ۹)
شناخت سیستم و منابع اقتصادی	تشخیص و شناخت امکانات اقتصادی و استفاده بهینه از این امکانات انسانی و غیرانسانی برای توسعه اقتصاد خانواده مهم است. (مصاحبه ۱۲)

کدهای محوری (مقوله‌ها)	کدهای باز (مفاهیم)
	فراگیران باید از سیستم حاکم بر اقتصاد خانواده اطلاع و آگاهی لازم داشته باشند و ارتباطات این سیستم با محیط‌های دیگر را تنظیم نمایند. (مصاحبه ۱۶)
متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه	محتوای برنامه درسی مدیریت خانواده می‌بایست فراگیران با نیازهای اقتصادی جامعه آشنا سازد و آمارهای اقتصادی را شفاف‌سازی نماید. (مصاحبه ۵ و ۱۲)
در نظر گرفتن ظرفیت‌های محله‌ای	محتوای برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده باید ظرفیت‌های لازم را برای کار و معیشت در سطح محله، شهر و روستا فراهم سازد. به‌عنوان مثال در روستایی که فعالیت‌های کشاورزی نمود دارد فراگیران با اصول کشاورزی آشنا شوند. (مصاحبه ۱۴ و ۳)
توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای	محتوا با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و فرهنگی می‌تواند فراگیران را نسبت به توانایی‌های بومی خود آشنا سازد. (مصاحبه ۲۰ و ۱۶) صنایع دستی باید مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۳ و ۹)
شناسایی ظرفیت‌های فردی	شناسایی استعدادها و توسعه ظرفیت‌های فردی دانش‌آموزان به منظور فعالیت‌های اقتصادی باید در دستور کار قرار گیرد و هدایت تحصیلی رویکردی علمی تر داشته باشد. (مصاحبه ۱۱ و ۱۷)
حل مساله	محتوا باید دانش‌آموزان را درگیر حل مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی نماید. (مصاحبه ۱۴ و ۲)
تقویت نگرش‌های کارآفرینانه	آموزش نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه جزو لاینفک آموزش و پرورش باید باشد (مصاحبه ۳ و ۱۸) ایجاد بسترها و ساختار لازم جهت کارآفرینی (مصاحبه ۱۹ و ۵)
تمرینات خلاقانه	طراحی فعالیت‌ها و تمرینات متنوع در محتوای برنامه درسی می‌تواند زمینه‌ساز بروز خلاقیت و نوآوری گردد. (مصاحبه ۳ و ۸)
تدوین و تولید الگوهای عملی در صنعت اقتصادی	ساخت دست‌سازه‌ها در چارچوب محتوای برنامه درسی می‌بایست مدنظر قرار گیرد. (مصاحبه ۶ و ۷)
شناخت چارچوب اقتصادی خانواده	محتوای برنامه درسی می‌بایست نقش‌های اقتصادی هر یک از اعضای خانواده را تمکیک نماید و به فراگیران آموزش دهد. (مصاحبه ۴ و ۲۰) او باید بیاموزد که باید نسبت به مسائل اقتصادی خانه حساس باشد. (مصاحبه ۱۲ و ۱۸)
باز تولید نقش پدر و مادر در اقتصاد خانواده	نقش‌های پدری و مادری می‌بایست براساس دستورات اسلام و با توجه به فرهنگ ما تقویت و نهانته شود. (مصاحبه ۲)
مفاهیم فقر و فلاکت	محتوای برنامه درسی باید با استفاده از آمار، ارقام، وسایل ارتباط جمعی و... فراگیران را با میزان فقر و فلاکت در دنیا آشنا سازد. و عوامل آن مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. (مصاحبه ۱۵ و ۱۳)
فعالیت‌های اقتصادی مدرسه‌ای	برنامه درسی در مدرسه باید با محور فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. طرح مدارس کار می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. (مصاحبه ۳ و ۸)
تولید علم	کسی که قرار است مسئولیت خانواده را برعهده گیرد حتما باید تولید علم داشته باشد. (مصاحبه ۹) فراگیر باید در تولید علم که امروزه اصل است، تجارب و دیدگاه مؤثر داشته باشد. (مصاحبه ۱۴)
توجه به تکنولوژی	استفاده از تکنولوژی و توسعه آن در محتوای برنامه درسی اهمیت اساسی دارد. (مصاحبه ۷)
بحث و گفتگو	شیوه بحث و گفتگو می‌تواند فراگیران را در جهت توسعه مهارت‌های اقتصادی یاری دهد. در واقع بحث و گفتگو مقدمه آگاهی و عمل است. (مصاحبه ۵ و ۱۲)
بازدید و گردش علمی	آشنایی دانش‌آموزان با مراکز صنعتی و اقتصادی می‌تواند آنان را در مدیریت اقتصاد خانواده آگاه کند. (مصاحبه ۱۴ و ۳)
سخنرانی	دعوت از متخصصان و صاحب‌نظران اقتصادی در مدارس به‌عنوان یک رویکرد مناسب در جهت تدریس مدیریت اقتصادی خانواده می‌تواند کارگشا باشد. (مصاحبه ۲۰ و ۱۶) نظریات اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. (مصاحبه ۳ و ۹)
نمایش	فعالیت‌های عملی در مدارس به‌عنوان یک رویکرد تدریس می‌تواند مورد توجه باشد به‌عنوان مثال برای آشنا کردن فراگیران با شغل نجاری، یک نجار در گوشه‌ای از مدرسه کارهای خود را انجام دهد و یا فیلمی از یک شغل نمایش داده شود. (مصاحبه ۱۱ و ۱۷)

کدهای محوری (مقوله‌ها)	کدهای باز (مفاهیم)
حل مساله	مشکلات اقتصادی و راه‌های برون‌رفت از آن مورد بررسی قرار گیرد. (مصاحبه ۱۴ و ۲)
پروژه	پروژه‌های اقتصادی در قالب کارها و فعالیت‌های گروهی برای فراگیران طراحی و تدوین گردد. (مصاحبه ۱۹ و ۵)
دست ورزی	ساخت ماکت‌ها و وسایل ساده توسط فراگیران در ساعت‌های مختلف کلاسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۳ و ۸)
فعالیت عملی	ساخت دست سازه‌ها در چارچوب محتوای برنامه درسی می‌بایست مدنظر قرار گیرد. (مصاحبه ۶ و ۷)
مشاهده و الگوبرداری	طرح کار و عقد قرارداد با سازمان‌های مرتبط با فعالیت‌های کار و اقتصادی و اعزام دانش‌آموزان به این مراکز باید مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۴ و ۲۰)
روش‌های خلاق	اتاق فکر و خلاقیت به منظور تشویق فراگیران به فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۲)
تحقیق و تفحص	آموزش رویکردهای پژوهش و تحقیق به فراگیران به منظور انجام فعالیت‌های علمی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۱۵ و ۱۳)
یادگیری در حد تسلط	دانش‌آموزان از راه تمرین کردن باید ابتدا بر کاری تسلط یابد تا بعد در آن ماهر شود. (مصاحبه ۹ و ۱۷) به دانش‌آموزان زمان مورد نیاز برای رسیدن به سطح معینی از یادگیری داده شود. (مصاحبه ۱۵ و ۱۳)
رویکرد اکتشافی	معلم‌ان باید امکان کشف و جستجو را برای فراگیران فراهم نمایند آنان را به مراکز و واحدهای مختلف معرفی کنند تا به کاوشگری بپردازند. (مصاحبه ۳ و ۸)
تدریس انفرادی	رغبت و علاقه فراگیران به یک فعالیت اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۹) ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و نگرش‌های فراگیران در رابطه با شغل مورد نظر وی با مشاوران متخصص شناسایی شود (مصاحبه ۱۴)
مشاهده	به منظور ارزیابی میزان توانایی فراگیران در مدیریت اقتصاد خانواده لازم است آنان به طور مداوم مورد مشاهده و ارزیابی قرار گیرند تهیه فرم-های مشاهده رفتار می‌تواند مؤثر باشد. (مصاحبه ۵ و ۱۲ و ۱۴)
چک لیست	چک‌لیست میزان آگاهی فراگیران از اهمیت مدیریت اقتصادی خانواده می‌تواند چارچوب‌های لازم را ایجاد نماید. (مصاحبه ۱۸ و ۱)
پوشه کار	فعالیت‌های شغلی و اقتصادی فراگیران شامل ایده‌ها، نظرات، طرح‌ها و برنامه‌ها باید در پوشه کار نگهداری شود. (مصاحبه ۲۰ و ۱۶ و ۱۵) پوشه کار به عنوان آنچه من انجام داده‌ام مسیر راهنمای فراگیر در عمل اقتصادی باشد. (مصاحبه ۳ و ۹ و ۱۲)
پرسش و پاسخ	پرسش‌های شفاهی و کتبی فراگیر را از مهارت‌های اقتصادی خود آگاه می‌سازد. (مصاحبه ۱۱ و ۱۷ و ۵)
تکالیف درسی	با توجه به علائق و نگرش فراگیر در رابطه با مدیریت اقتصاد خانواده باید تکالیف متنوع مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۱۴ و ۲ و ۶)
خودارزیابی	تهیه چک لیست‌ها و فرم‌های خودارزیابی در شناسایی توانایی‌ها و علائق اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۱۹ و ۵)
آزمون‌های خلاقیت	آزمون‌های خلاقیت همواره به عنوان یکی از مکانیسم توانایی مدیریت مسائل مالی مورد توجه باشد. (مصاحبه ۳ و ۸ و ۱۶)
آزمون مداخله‌کاغذی	آزمون‌ها اگر به درستی طراحی و اجرا شوند می‌توانند میزان تحقق برخی از اهداف آموزشی را بررسی نمایند. (مصاحبه ۳ و ۱۵)
عملکرد	ساخت دست سازه‌ها در چارچوب محتوای برنامه درسی می‌تواند به عنوان ارزشیابی مدنظر قرار گیرد. (مصاحبه ۶ و ۷ و ۴)
خودسنجی	سنجش خود و شناسایی استلزامات اساسی رشد و پیشرفت اقتصادی و فراگیری مهارت‌های مدیریت اقتصادی ضرورت دارد. (مصاحبه ۴ و ۲۰)
همسال سنجی	ارزش‌یابی دانش‌آموز از عملکرد و فعالیت‌های یادگیری هم‌کلاسی‌هایش (هم‌سالانش) مورد توجه قرار گیرد. (مصاحبه ۴ و ۱۷ و ۲۰)
انجام پروژه‌های فردی و گروهی	توانایی فراگیران در انجام پروژه‌های فردی و گروهی به عنوان مکانیسم سنجش و ارزشیابی می‌باشد. (مصاحبه ۲ و ۱۸)
ارزیابی والدین	والدین باید گزارش فعالیت‌های اقتصادی فرزند خود را به صورت سه ماهه به مدرسه تحویل دهند (مصاحبه ۱۵ و ۱۳ و ۹)
بازخورد	معلم برای تسهیل در فرآیند یاددهی - یادگیری، با توجه به تفاوت‌های فردی بچه‌ها باید با روش‌های مختلف، به دانش‌آموزان بازخورد دهد. (مصاحبه ۲ و ۱۴)

در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم کلی در ۵۶ مقوله اصلی براساس چهار عنصر اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی در سه بعد دانش، نگرش و مهارت طبق جدول ۴ دسته بندی شدند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در عناصر برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده به شرح ذیل می‌باشند:

اهداف: هدف سنگ زیربنای آموزشی است. هدف‌ها در واقع قصد نهایی تعلیم و تربیت بوده و یا نتایجی را مشخص می‌سازند که انتظار می‌رود، پس از اجرای یک برنامه درسی، بتوان در رفتار یادگیرنده مشاهده نمود. بدون این عنصر جریان یادگیری باعث رشد جهت‌دار یادگیرنده نمی‌شود. هدف به قدری در برنامه درسی اهمیت دارد که بدون آن در هیچ یک از مراحل برنامه‌ریزی درسی نمی‌توان تصمیمی گرفت. اگر مؤلفه‌ها را اجزای یادگیری بدانیم؛ هدف‌ها، حد یادگیری را تعیین می‌کنند (نادری و همکاران، ۱۳۹۱).

در این پژوهش، ۱۴ مقوله برای محور اهداف استخراج شد که در بعد دانش، مقوله‌های (تصمیمات اقتصادی صحیح، دانش اقتصادی، نظم و انضباط اقتصادی، واجد قدرت نقد و تحلیل مسائل اقتصادی، موقعیت‌شناسی در امور اقتصادی و شناخت سیستم و منابع اقتصادی) در بعد نگرش، مقوله‌های (روحیه آینده‌نگری، روحیه همدلی در امور اقتصادی و روحیه مسئولیت‌پذیری در امور اقتصادی) در بعد مهارت، مقوله‌های (مشارکت در اقتصاد خانواده، توانایی مدیریت مالی، توانایی کسب و کار، کارآفرینی و خلاقیت و نوآوری) قرار گرفتند.

محتوا: محتوا خلاصه‌ای از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌هایی است که به یادگیرنده امکان می‌دهد، فهم لازم را به دست آورد و در زندگی روزمره به کار ببندد (ارنشتاین و هانکینز^۱، ۲۰۱۲). محتوا، یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی است که به شاگردان ارائه می‌شود تا ورود آنان را به فعالیت‌های آموزشی میسر و رسیدن آنان را به هدف‌های اجرایی امکان‌پذیر سازد (حاجی‌زاده و آتشک، ۱۳۹۴). بنابراین، نخستین گام برای ایجاد امکان تحقق هدف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب است (ملکی، ۱۳۹۶).

در این پژوهش، ۱۴ مقوله برای محور محتوا استخراج شد که در بعد دانش، مقوله‌های (متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه، در نظر گرفتن ظرفیت‌های محله‌ای، توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای،

^۱. Ornstein & Hunkins

حل مساله و شناخت چارچوب اقتصادی خانواده)، در بعد نگرش، مقوله‌های (شناسایی ظرفیت‌های فردی، تقویت نگرش‌های کارآفرینانه، مفاهیم فقر و فلاکت و بازتولید نقش پدر و مادر در اقتصاد خانواده) در بعد مهارت، مقوله‌های (تمرینات خلاقانه، تدوین و تولید الگوهای عملی در صنعت اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی مدرسه‌ای، تولید علم و توجه به تکنولوژی) قرار گرفتند. روش‌های یاددهی-یادگیری: از طریق روش، «مفاهیم» فهمیده، «مهارت‌ها» کسب و «ارزش‌ها» درونی می‌شوند؛ براین اساس هر قدر روش‌ها مناسب‌تر باشند، یادگیری موثرتر خواهد بود. در واقع می‌توان گفت که با اجرای روش‌های تدریس، نظر به عمل تبدیل می‌شود و تصمیمات برنامه‌ریزان درسی و معلمان اجرا می‌شوند. اگر در انتخاب روش‌ها دقت لازم نشود، بخشی از تصمیمات اجرا نمی‌شود و در نتیجه قسمتی از برنامه درسی و محتوا حذف می‌شود (رضایی کلاتری و همکاران، ۱۳۹۴).

در این پژوهش، ۱۴ مقوله برای محور روش‌های یاددهی-یادگیری استخراج شد که در بعد دانش، مقوله‌های (بحث و گفتگو، سخنرانی، نمایش، تحقیق و تفحص، تدریس انفرادی و رویکرد اکتشافی)، در بعد نگرش، مقوله‌های (مشاهده و الگوبرداری و روش‌های خلاق) و در بعد مهارت، مقوله‌های (حل مساله، پروژه، دست‌ورزی، فعالیت عملی و یادگیری در حد تسلط) قرار گرفتند. ارزشیابی: ارزشیابی فرآیندی است که به واسطه آن به داوری ارزشی درباره یک پدیده، موقعیت یا رخداد پرداخته می‌شود (آیزنر، ۱۹۹۴ به نقل از نوری، ۱۳۹۳). فرآیند ارزشیابی دو هدف مهم دارد: اطمینان از تحقق اهداف برنامه درسی و دوم کمک به بهبود یادگیری. ارزشیابی و چالش‌های آن می‌تواند رغبت و علاقه دانش‌آموزان را نسبت به رویکرد مطالعه و یادگیری تحت تاثیر قرار دهد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷).

در این پژوهش، نیز ۱۴ مقوله برای محور ارزشیابی استخراج شد که در بعد دانش، مقوله‌های (مشاهده، چک‌لیست، پرسش و پاسخ، ارزیابی والدین و آزمون مدادکاغذی)، در بعد نگرش، مقوله‌های (خودارزیابی، عملکرد، خودسنجی و همسال‌سنجی) و در بعد مهارت، مقوله‌های (آزمون‌های خلاقیت، بازخورد، انجام پروژه‌های فردی و گروهی، تکالیف و پوشه‌کار) قرار گرفتند.

جدول ۴. نتایج کدگذاری محوری براساس چهار عنصر اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی

مقوله‌ها	بعد	محور	
تصمیمات اقتصادی صحیح	دانش	اهداف	
دانش اقتصادی			
نظم و انضباط اقتصادی			
واجد قدرت نقد و تحلیل مسائل اقتصادی			
موقعیت‌شناسی در امور اقتصادی			
شناخت سیستم و منابع اقتصادی	تگرش		
روحیه آینده‌نگری			
روحیه همدلی در امور اقتصادی			
روحیه مسئولیت‌پذیری در امور اقتصادی	مهارت		
مشارکت در اقتصاد خانواده			
توانایی مدیریت مالی			
توانایی کسب و کار			
کارآفرینی	دانش		محتوا
خلایقیت و نوآوری			
متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه			
در نظر گرفتن ظرفیت‌های محله‌ای			
توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای			
حل مساله			
شناخت چارچوب اقتصادی خانواده			
شناسایی ظرفیت‌های فردی		تگرش	
تقویت نگرش‌های کارآفرینانه			
مفاهیم فقر و فلاکت			
بازتولید نقش پدر و مادر در اقتصاد خانواده		مهارت	
تمرینات خلاقانه			
تدوین و تولید الگوهای عملی در صنعت اقتصادی			
فعالیت‌های اقتصادی مدرسه‌ای			
تولید علم		دانش	
توجه به تکنولوژی			
پحث و گفتگو			
بازدید و گردش علمی			
سخت‌رانی			
نمایش			
تحقیق و تخصص			
تدریس انفرادی			
رویکرد اکتشافی			
مشاهده و الگوبرداری	تگرش		
روش‌های خلاق			
حل مساله	مهارت		
پروژه			
دست‌ورزی			
فعالیت عملی			
یادگیری در حد تسلط			

مشاهده	دانش	ارزشیابی
چک لیست		
پرسش و پاسخ		
ارزیابی والدین	نگرش	
آزمون مدادکاغذی		
خودارزیابی		
عملکرد	مهارت	
خودسنجی		
همسال‌سنجی		
آزمون‌های خلاقیت		
بازخورد		
انجام پروژه‌های فردی و گروهی		
تکالیف درسی		
پوشه کار		

در کدگذاری انتخابی، ارتباط و جایگاه مقولات محوری (اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی یادگیری و ارزشیابی) و سه بعد (دانش، نگرش و مهارت) با توجه به جدول ۵ شکل گرفت.

جدول ۵. کدگذاری انتخابی براساس ارتباط و جایگاه مقولات محوری

برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده				حیطه
ارزشیابی	راهبرد یاددهی - یادگیری	محتوا	اهداف	
مشاهده چک لیست پرسش و پاسخ ارزیابی والدین آزمون مداد کاغذی	بحث و گفتگو بازدید و گردش علمی سخنرانی نمایش تحقیق و تفحص تدریس انفرادی رویکرد اکتشافی	متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه در نظر گرفتن ظرفیت‌های محله‌ای توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای حل مساله شناخت چارچوب اقتصادی خانواده	تصمیمات اقتصادی صحیح دانش اقتصادی نظم و انضباط اقتصادی واجد قدرت نقد و تحلیل مسائل اقتصادی موقعیت‌شناسی در امور اقتصادی شناخت سیستم و منابع اقتصادی	دانش
خودارزیابی عملکرد خودسنجی همسال‌سنجی	مشاهده و الگوبرداری روش‌های خلاق	شناسایی ظرفیت‌های فردی تقویت نگرش‌های کارآفرینانه مفاهیم فقر و فلاکت بازتولید نقش پدر و مادر در اقتصاد خانواده	روحیه آینده‌نگری روحیه همدلی در امور اقتصادی روحیه مسئولیت‌پذیری در امور اقتصادی	نگرش
آزمون‌های خلاقیت بازخورد انجام پروژه‌های فردی و گروهی تکالیف درسی پوشه کار	حل مساله پروژه دست‌ورزی فعالیت عملی یادگیری در حد تسلط	تمرینات خلاقانه تدوین و تولید الگوهای عملی در صنعت اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی مدرسه‌ای تولید علم توجه به تکنولوژی	مشارکت در اقتصاد خانواده توانایی مدیریت مالی توانایی کسب و کار کارآفرینی خلاقیت و نوآوری	مهارت

پس از استخراج گویه‌ها براساس الگوی هدف‌محور تایلر الگوی نهایی پژوهش ترسیم گردید. (شکل ۱)



شکل ۱. الگوی مفهومی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده در دوره متوسطه دوم بود. به منظور طراحی الگوی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده، با توجه به یافته‌های پژوهش و ادغام و خلاصه‌سازی، ۵۶ گویه به دست آمده از مصاحبه با مشارکت کنندگان استخراج شده در چارچوب عناصر چهارگانه برنامه درسی تایلر به عنوان مضامین اصلی قرار گرفتند. این عناصر شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی می‌شوند که در سه حیطه دانش، مهارت و نگرش تشریح گردید. مطالعه مضامین اصلی (عناصر برنامه درسی) نشان داد که هرکدام از

عناصر دارای تعدادی مضامین پایه است که می‌بایست در دستیابی به مضمون انتخابی برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده، به آن توجه شود.

در عنصر اهداف؛ به مضامین دانش اقتصادی، تصمیمات اقتصادی صحیح، نظم و انضباط اقتصادی، شناخت سیستم و منابع اقتصادی و قدرت نقد و تحلیل مسائل اقتصادی در بعد دانش، روحیه آینده‌نگری، روحیه همدلی و روحیه مسئولیت‌پذیری در امور اقتصادی در بعد نگرش و مشارکت در اقتصاد خانواده، توانایی مدیریت مالی، توانایی کسب و کار، کارآفرینی و خلاقیت و نوآوری در بعد مهارت مدنظر می‌باشد. این مولفه‌ها با حاصل تحقیقات فضلعلی‌زاده صوفی و همکاران (۱۳۹۸) از این نظر که در محتوای درسی ابعاد فرهنگ و نگرش و شایسته‌سالاری مدیریت هزینه از فراوانی بالایی برخوردار بوده همسو می‌باشد و با نتایج تحقیق قندهاری و همکاران (۱۳۹۷) از بعد شیوه‌ی سازماندهی و تلفیق موضوعات درون‌محتوا و در نظر گرفتن ابعاد کلی آموزش اقتصاد خانواده همسو می‌باشد. هم‌چنین با نتایج تحقیق یوسفی و رحیمی (۱۳۹۸) و اپلتالوا (۲۰۱۸) در راستای در نظر گرفتن سواد اقتصادی در بعد هدف‌گذاری برنامه درسی مطابقت دارد.

در رابطه با محتوا؛ نتایج پژوهش در بعد دانش نشان داد که محتوای متناسب با الگوی طراحی شده باید با نیازهای اقتصادی جامعه، ظرفیت‌های محله‌ای، توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای، حل مسأله و شناخت چارچوب اقتصادی خانواده هماهنگ باشد و هم‌چنین در بعد نگرش شناسایی ظرفیت‌های فرد، تقویت نگرش‌های کارآفرینانه، مفاهیم فقر و فلاکت ضرورت دارد و در بعد مهارت‌ها تمرینات خلاقانه، تدوین و تولید الگوهای عملی در صنعت اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی مدرسه‌ای و تولید علم از اصول طراحی محتوا می‌باشد. قندهاری و همکاران (۱۳۹۷)، میرعرب رضی و همکاران (۱۳۹۷)، لنی و همکاران (۲۰۱۷)، یوسف‌زاده و آداک (۱۳۹۷) و راجرز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود به مطالب و مفاهیم اقتصادی، اثربخشی مضامین اقتصادی و خصوصاً اقتصاد خانواده در محتوای دروس و آموزش مالی به دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند.

در تبیین عنصر راهبردهای یاددهی-یادگیری؛ در بعد دانش، بحث و گفتگو، بازدید و گردش علمی، سخنرانی، نمایش، تحقیق و تفحص، تدریس انفرادی و رویکرد اکتشافی در این الگو مدنظر می‌باشد و در بعد نگرش مشاهده و الگوبرداری و روش‌های خلاق در طراحی محتوا به

عنوان محورهای اصلی در نظر گرفته شد و در بعد مهارت به حل مسأله، پروژه، دست‌ورزی و فعالیت عملی باید توجه شود. این نتایج با حاصل تحقیقات فضلعلی‌زاده صوفی و همکاران (۱۳۹۸)، یوسفی و رحیمی (۱۳۹۸)، علیپور و همکاران (۱۳۹۵)، قندهاری و همکاران (۱۳۹۷) و آماگیر و همکاران (۲۰۱۸) از این نظر که با استفاده از روش‌های فعال و فراگیر محور برای آموزش فراگیران می‌توان مهارت‌های مورد نیاز را به دانش‌آموزان آموزش داد همسو می‌باشد. در صورتی که دانش‌آموزان ابزارهای مورد نیاز برای کسب علم اقتصاد و دانش مورد نیاز برای مدیریت مالی را به خوبی کسب نمایند.

در رابطه با ارزشیابی برنامه درسی اقتصاد خانواده؛ توجه به توان یادگیری و مهارتی فراگیران، مسأله‌محور بودن و توجه به فرآیند کار در شیوه‌ی ارزشیابی مدنظر می‌باشد. در تفحص به‌دست آمده از مضامین با توجه به نقش ارزشیابی در فعالیتهای آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان زمانی می‌تواند از نتایج مطلوب برخوردار باشد که در بعد دانش به مشاهده، چک‌لیست، پرسش و پاسخ، ارزیابی والدین و آزمون‌های مدادکاغذی، در بعد نگرش به خودارزیابی و خودسنجی و در بعد مهارت به آزمون‌های خلاقیت، انجام پروژه‌های فردی و گروهی، تکالیف درسی و پوشه‌کار توجه شود. این نتایج با حاصل تحقیقات قندهاری و همکاران (۱۳۹۷)، اپتالووا (۲۰۱۸) و لنی و همکاران (۲۰۱۷) از این جهت که توجه به ارزشیابی از مهارت‌های فراگیران و تأکید بر تربیت اقتصادی گامی مؤثر در آماده‌سازی فراگیران برای حضور در محیط‌های اجتماعی است، همسو می‌باشد.

به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده گویای این مطلب است که آموزش مدیریت اقتصاد خانواده به دانش‌آموزان، یکی از وظایف اساسی آموزش و پرورش بوده که بخشی از آن باید در برنامه‌های درسی فراگیران ارائه شود زیرا افزایش سطح دانش و آگاهی اقتصادی دانش‌آموزان، نه تنها در بهبود اداره اقتصادی خانواده آنان مؤثر است بلکه در سطح کلان نیز موجب ارتقا و پیشرفت اقتصادی کشور می‌شود.

براساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود:

✓ الگوی طراحی شده برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده به‌عنوان گامی اساسی در تحول برنامه‌های درسی دوره متوسطه مورد توجه قرار گیرد.

- ✓ محتوا و منابع یادگیری متناسب با الگوی پیشنهادی و با توجه به ساحت اقتصادی ذکر شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، توسط برنامه‌ریزان درسی طراحی و تدوین شود.
- ✓ به‌منظور اثربخشی و موفقیت اجرایی الگوی پیشنهادی، معلمان و مدیران از آموزش‌های لازم در خصوص به‌کارگیری برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده برخوردار باشند.
- ✓ در قالب فرهنگ‌سازی خانواده‌ها به‌عنوان یکی از ارکان تربیتی، آئین‌نامه‌های اجرایی در زمینه تربیت اقتصادی برای برگزاری دوره‌های آموزشی خانواده در مقاطع مختلف تدوین گردد.
- ✓ نگاهی به تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد برنامه دانش اقتصادی یک برنامه بلندمدت و بسیار پراهمیت است، بنابراین بهتر است این برنامه در کشور ما نیز هرچه سریع‌تر از دوره ابتدایی آغاز شود.
- ✓ در اجرای این برنامه، روش‌های خلاقیت‌محور و در دانش‌آموزان مقاطع پایین‌تر روش‌های بازی‌محور مدنظر قرار گیرد.
- ✓ پس از اجرای الگوی حاضر در برنامه درسی متوسطه در مورد ارزشیابی علمی این الگو و بازخوردهای آن پژوهش شود.
- ✓ مطالعات تطبیقی در زمینه برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده انجام شود.

منابع

- استراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۱). **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: انتشارات نشر نی.
- پیغامی، عادل و تورانی، وحید. (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا. ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول، **فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی**، ۳۷(۹): ۳۲-۳۶.
- حاجی‌زاده، فرشته و آتشک، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب آموزش مهارت‌هایی برای زندگی براساس اصول انتخاب محتوا و ارائه راه کارهای اصلاحی از منظر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی، **فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، ۱۲(۱۷): ۱۳۴-۱۲۳.
- خلیلی، حسام‌الدین. (۱۳۹۱). مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، **فصلنامه کارآگاه**، ۸۱(۹): ۳۶-۲۳.
- دری‌نوگورانی، حسین و صالح اصفهانی، اصغر. (۱۳۹۲). **اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران تحلیل مبنایی و برخی اصول راهنمایی کاربردی**، تهران: انتشارات راه فردا.
- رضایی کلانتری، مرضیه. صالحی، محمد و حاجی‌زاده، محمد. (۱۳۹۴). **برنامه‌ریزی درسی در عصر نوین**، نشر تهران، چاپ اول.
- رضوی، سید مصطفی. (۱۳۹۲). **بازکاوی روش تحقیق آمیخته**، انتشارات دانشگاه تهران.
- زین‌العابدینی، پیام و دهقان‌پور، حمید. (۱۳۹۳). **بررسی نقش رسانه‌ها در تحقق چشم‌انداز و مأموریت استراتژی اقتصاد مقاومتی**، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۴). **جامعه و تعلیم و تربیت**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۵.
- علیپور، فاطمه. ناطقی، فائزه و فقیهی، علیرضا. (۱۳۹۵). **شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی براساس نظریه داده بنیاد**، دومین کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم کاربردی، دب. فضلعلی‌زاده صوفی، شهرام. قهرمانی، جعفر و علیرزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۸). تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع، **فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی**، ۲(۱۱): ۱۱۴-۱۰۳.
- قاسمی، مریم. موسی‌پور، نعمت‌الله. حاجی‌حسین‌نژاد، غلامرضا و حسینی‌خواه، علی. (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت استاد تربیت معلم مبتنی بر شایستگی عمل فکورانه، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران**، ۵(۱۳): ۷۲-۴۵.
- قجر، محمد و بنداری، مهرداد. (۱۳۹۲). **اقتصاد**، تهران: انتشارات هوشمند تدبیر.
- قندهاری، آزاده. مهرمحمدی، محمود. طلایی، ابراهیم و فرجی‌دیزجی، سجاد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکاتلند، چین و استرالیا و ارائه دلالت‌هایی برای تربیت اقتصادی در ایران، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، ۱۳۹: ۴۴-۳۱.

- کاظم پور، اسماعیل. رجیبی، زهرا. عصایی، معصومه و فدایی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). ارائه مدل آموزش اقتصاد خانواده برای دانش‌آموزان، **فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، ۲(۱۰): ۹۵-۱۱۰.
- کرسول، جان دبلیو و کلارک، ویکی پلانو. (۲۰۰۷). **روش‌های پژوهش ترکیبی**، ترجمه جاوید سرایی و علیرضا کیامنش، نشر آریز.
- کشتی‌آرای، نرگس. عمادزاده، مصطفی و یزدانی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای طراحی در برنامه درسی آموزش و پرورش ایران، **مطالعات جامعه‌شناسی**، ۴۰(۱۰): ۸۵-۹۹.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۶). **برنامه‌ریزی درسی** (راهنمای عمل)، مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
- موسوی‌زاده، زهره. عظیم زاده اردبیلی، فائزه و صنعتی، فاطمه. (۱۳۹۴). کاربست مؤلفه‌های حوزه توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، **مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام**، ۱۶(۷): ۵-۲۰.
- میرعرب رضی، رضا. حاجی تبار فیروزجانی، محسن و آریانفر، سمیه. (۱۳۹۷). تحلیل مؤلفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان، **دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی**، ۱۴(۷): ۱۲۱-۱۳۲.
- نادری، امیر. حاجی حسین نژاد، غلامحسین. تاجیک اسمعیلی، عزیزالله و زین آبادی، حسن رضا. (۱۳۹۱). ویژگی‌های اهداف فعالیت‌های فوق‌برنامه دانش‌آموزان دبیرستانی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، **فصلنامه روانشناسی تربیتی**، ۲۴(۸): ۱۱۸-۱۳۴.
- نوری، علی. (۱۳۹۳). الگوی خبرگی و نقد تربیتی، **دانشنامه ایرانی برنامه درسی**.
- یوسف‌زاده، محمدرضا و آدک، موسی. (۱۳۹۷). بررسی محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی بر مبنای تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام، **مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی**، ۲۳(۱۵): ۱۵۳-۱۸۲.
- یوسفی، شیدا و رحیمی، هیمن. (۱۳۹۷). **مدیریت اقتصاد خانواده**، اولین همایش ملی مدیریت راهبردی و کاربردی، سقز.
- Amagir, A. Groot, W. Maassen van den Brink, H & Wilschut, A. (2018). A review of financial-literacy education programs for children and adolescents, **Citizenship, Social and Economic Education**, 17(1): 56-80.
- Brinia, V., Vikas, E. (2014). **Innovations in the teaching methodology of the economic science in Secondary Education**: The introduction of art in teaching the course.
- Grohmann, A., Kouwenberg, R., & Menkhoff, L. (2015). Childhood roots of financial literacy, **Journal of Economic Psychology**, 51(C): 114-133.
- Haskel, J., & Jenkins, S. J. (2009). Teaching Economic Principles through Literacy Methods, Idaho State University, **Journal of Economics and Economic Education Research**, 4(2): 19-43.

- Klapper, L. F., Lusardi, A. & Panos, G. A. (2015). **Financial Literacy and the Financial Crisis**, World Bank Policy Research, Working Paper, No. 5980: 18-29.
- Kirsch, S. W. (2014). **An analysis of the efficacy of financial literacy education for elementary school children**, MSc. thesis, California State University, Fullerton.
- Leny, N. & Budy, S. & Muhammad, S. (2017). Economic Education Laboratory, **Journal of education and practice**, 6(33): 93-94 .
- Opletalová, A. (2018). Financial education and financial literacy in the Czech education system, **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 171: 135-151.
- Ornstein, Allan C. & Hunkins, Francis P. (2012). **Foundations, principles and issues**, New York, NY: Allyn.
- Rodgers, Y & Hawthorne, R. C. & Wheeler, c. (2014). **Economic literacy among primary grades students**, Available: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=433980.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**, 2nd Ed., Sage.
- Young Kim, C. (2000). **Comparative study on economic education: Korean and Japanese school**, http://www.NIra.Jp/publ/rev_iew/2000/spring/pdf.